

نوشتن معرفت خودشنان بلکه بهشت اماراتیان و
مریطهایشان بودند که این وظیفه را عده‌های مانند
ویرجی از حکما تایز چنین بودند. صرف مشتشفی
بینش یک شخص، دلیل بر ظلمه‌های اش نهست
و اخراج و قشی کسی مثل دکتر داوری - که هر چیز زعج
حصت فرانلسفی باقیردادند - با هر نیت دیگری
که بله‌یخت یعنی حملات عقله‌ی ریز قدر داشت و در
گولی می‌هدد که فردید صاحب کلام فلسفی بود
دیگر چیز تردید باقی نی ماند. میلاری از کسانی
که شاستگار فردید پرده‌خواهی‌ها در میان افراد
منزه نیستند، صراف حرف‌های خود را که نمی‌گذرند
اگر چنین بودند فیلوفی‌فعای خلیل بزرگی
هستند اینها از واقع حرف‌های استند خود را باید
می‌گذشتند.

پیش از این گفتگیم که فروید مرگسته میان
فلسفه و عرقان بودست شغلی، صفت عرفانی
ملت و در واقع شاید خود فردیدیم بوده بود که آن
چیزی که مربوط به کلام فلسفی است در برادران
چیزی که مربوط به اثبات شهود است. چند نتاون
است و از این مکتب ادبیاتی فلسفی خودش به
آنها نهاده.

عنوان خبر از آن علم غیر سازمانی می‌زد در واقع به مخفی اینکه موارد جهان نوشاری و مستدل شویه تناقضی که پیشتر در پایه نظر فردی گفته شد از پس خود را شل من دهد.

اما جواب به این پرسش که فکر کردید تا چه حد جریان ساز و منسّان از برآورده باشد گفت که پیش از جریان های نظری در جمله همیشه دربرو شده صحت و حقیقت پک

فلسفه نسبت و درو مهانی می‌اند که مستند شدن حرفا های نیست و تبارهای دیگری در آن وجود نداشته اند

رسولی برخورد با قائله را باید از خود فکر جدا کرده و از نظر من فلسفه و هر نظر فلسفی ای، بدینه معن و در قابی که دارد همیشه می‌تواند مطற شود

تفصیلی فردید در مورد اسلامیه کردن نظر فکر غرب - تا جایی که به کسلی صجهون دکتر شریعتی و سروش مربوط است - پیش از این و نکنستگانه است و نه تنها توهم از جایگاه او چشم بیوشیه نیاز نداشی خاصه ای از پیش از ارادی است

پاره من این است که متفاهمیزی به نام روشنگری و خرابی حوزه مناسفه کمتر تولید مستدلال فکر کم که بمردم رفاقت می‌دانستی ای است. رامصرف من کنیم؟ مسائل همچون مریت گسل چهلی در حوزه ذیره آزادی و دموکراسی تحریره شده در مدینه در چندین فصلی سریعی دفعه از حضور مدنی فردی و اجتماعی بر ایران و موضع گیری های پربرگ غایع زیر پا بهادر این حقوق - که شه در جهان ماقبل مدرن با خودی های انسانی از این داشته باشد. ولی فردیتی توکل چناییت نیز ای داشته باشد. ولی اگر ماضیتی توکله کنیم و جو گور دوران نشوب در می‌باشد که فکر فردیه فرقه پدیدهای موجود - از چهله ازدیادی در تبریز های سپاهی غرب و ندی تجدید و مرتبت - برای ملت مایسیز جیاتی استه ملتی که من خواهد گذشت را از قرن ۱۸ تکرار گذاشت. اولین نظر، شجاعت اینه فردیه - صرف نظر از اینه دیدگاهی مرست با غلط ماره خان از جنگل های زورزنیست و دومندانی حزبی - برای مایسیز امور زندگانی است. ای ای محبت قرددخ اشتی مدن قلسه پادین است با افراد که تمایز ظلفی بیز آمد و مفاهیم حکمی که هن و عرفانی اشاره ای سایر اسلامی؟ شاید لعنت فرجیدم تهابات تندیکن بودن جمع مرتبت و دین بک دیده. بیرون شه عقل گرا باید بولانی ملوكه و نیست اثکاری بینان و مشهور و جلوه ای دیدش در پوشش پنهانی از وجود و از سوی دیگر گر خوره کی معرفت دیش با غیره و لغور فراعتنی و مطان اجرای دین ای کوشش های

اگر که در حوزه فلسفه داشتند، حتماً پیامبر مسیح است. مکوت کشیده می شد و پر اکه در نوع خودش اتفاق می افتد. معاشران فردیت هم مارکی چنین مشکلاتی هستند. اگر فرمست توجه کنند مراکز مؤلفت و وضیعت فردیت چنان مشکل نیست. مالیاتسازی توکیم در برای فردیت راه اجاز جو و فضای برآ در از تصلیم مفتری متفکران ایران با جوین اندیشه مملکت فرسن و ماجراجوی سیر اندیشه اپریلی از نوره قاجار تا مژده، جدیدتر خود ردد گماشتبکی داشت. اینکه وی این عنصر را تجربی اسم طائفت من نداند. حتی از منظور دینی قابل تقدیم است. جزو اکثر ماستلطعی است مسکونی را با اکافی خود بیندازد و تقویم کر اگر این بذاتی اساسی نمی تواند مروج به همه محتوای دوران شود و در طرح این اسباب شناسی و عقبه اندیشی بحثی های انتقادی، خاص مغایقان فردیت را تبلکه برخی می افندند. فردیت هم مارکی چنین مشکلاتی هستند. اگر فرمست توجه کنند مراکز مؤلفت و وضیعت فردیت چنان مشکل نیست. مالیاتسازی توکیم در برای فردیت راه اجاز جو و فضای برآ در از تصلیم مفتری متفکران ایران با جوین اندیشه مملکت فرسن و ماجراجوی سیر اندیشه اپریلی از نوره قاجار تا مژده، جدیدتر خود ردد گماشتبکی داشت. اینکه وی این عنصر را تجربی اسم طائفت من نداند. حتی از منظور دینی قابل تقدیم است. جزو اکثر ماستلطعی است مسکونی را با اکافی خود بیندازد و تقویم کر اگر این بذاتی اساسی نمی تواند مروج به همه محتوای دوران شود و در طرح این اسباب شناسی و عقبه اندیشی بحثی های

من نظر من ذم که مکریه به قلم تو هنین آیت
فردید در گفتار و لحن، صراحتاً مخصوص بک روش
سریع پالندکلایم بیبلیشم که چین لحن و اهلیش.
ذلک درجه و پایه معنایی بزیر دارد که همان دگاتیسم
فردید است. مرحوم فردید در اندیشه‌هایی که بهان
آن کشت گاه کلام خود را با کلام‌های پایاسخن
مجموم نشته است گردید و چنان فلسفیتی برای
ازدیشه خود فاش نشد که با اینچنین جزئیاتی برای
نهضتگرانی پنهانی فتنی نیست شاید همچنین جنبه
دگاتیک نفکری، باشد که باعث من شود هر چیزی
از اندیشه خودتر ایکثر خیانت‌آمیز، طلاقنوی و به
طرکی مروی و پهلوی می‌باشد از جهان مسلسل برداشت
که پدیده‌های محكوم مستند
نکته دیگر در نقده نظر فردیدان است که وی
تلایش می‌گند تابه فلسفه نوعی موتت دهنده، پنهاده

لمری که در نهایت به شناختن می‌پرسید و در اولین
درینی آن بود که غیر بر اعلن ازین «گفت در حالی
که معلم مبتنی بر استدلال و طبقه‌بندی است که کسی
که از تجربه مسخ قضایی می‌گردد کارش باشد اثقل
لسنوار است با ابه شهود امائل و شهوده معین وک
ماعتیت فلسفی نظر اسکار ماهل اهلل هستیم بلایدید
گروه منصبان پیوندیده مامی توژیم فلسفی باشیم
تمامی احوالی که فلسفه فرم نمی‌توانیم اهلل فهم و پوچل
پذیش را که همانها چون و چرا سوکلدار به
اگر قرار است غیر بر اشوه و در مسیر
الهسلیت هستیم درین صورت باید جایگاه خودمان
را جایگاه عراقان تبیین کنیم و انتقام امام جی
پوشش‌های عقلی لایسته هر واقع پر اندگی فکری
و حسی عدم تعلیل فردیده که ثابت باشد گشتنی این
من بن یک مسلط و فلسفه ناشی ازین است که
فردیده حق داشت حتی پیش از

هر کس دیگر خواهی از این آزادی بپرسد
و شنیدن را که گفتگوی این منکر که بود ممتنی بود
و ماهیت گله ندانیدن که به خارل فکر و حلیر قطب
و انتیش عایش از حکومت پیران
پروردید باشد اتفاق آنها یعنی که در ایران مدفع لبرال
و دموکراسی پوسته مدفع پیشتری از تبلیغ انگلار
خودشان - چه در داخل و چه در خارج از کشور
- کسب گرفته فردیت از ملی که زندگی پرور فرق
و مسلمانی رسمی مورده استنی چنانی قرار نگرفت
چرا که مطیوعات پیشتر مستعد مدفع از نگاه مقابل
لو بودند
مسئله دیگر درباره مرحوم فردید مnehmen کردن
ایشان به فلسفه شفاهی، پون ایست هر چند
تئی توان علت منتشر نکردن گذشت از سوی فردید
را باقی نهاد پیش ناشای خاصی توان گفت که این امر
متلقاً به منای خشندن دینیه فلسفی باشد
مژون اوتیست: مذاقل در تمام این سال مدد
آدم در رجه پیک در حوزه قلسه ایران، شاگرد
فردید پوشه و بیوه گوئی خوششان از قلسه
امور معتقد فردید کلام و کلام فیلسوفان غرب و ایشان
خوبی می شناخت و به درستی و عصیانی کرد
بود اگر مایه الله چونیلاسیم و خاکیم وارد پادشاهیک
(Polemik) می بودی ای راجح شویم: بده این تقلیل ها
قبول کنم، به مر حال یاما خودمان در کلام های
فردید حضور ملت اسلام باشگاه لسلیه پوشه
که مر محضر فردید مخصوص آنها موقعاً است مثلاً
ست حکمت ایشان که عرف اشاره کرد بدانسته به
ماکتر می بینم که عرف اشاره کرد بدانسته به
من خواهدی قلسه و جویی برای غیب فدیی
لستند که دیگر می خواهد فرطین این زبان به
قری قطبی و یقینی و در عنین حال غیر قابل ایجاب
اینکا اندداز این میر، به اینجا فلسه پرسد طبیعی
لست که این اتفاق تئی افت شد از همین رو باشد
که هایدگر اصل اواره این حوزه نمی شود و اگر هم
حرجونه فردی خودش دچار بدبدهای این چنین
سوپردگیست من کنکول پرورون منند اما فردید
تبذیل به خشم می شود و این لرنزل می دهد که
نویسنده چنانی هر عرقان و سلوک هر قاتی نمی بلند
در واقع فردید معلم یک انسان که فعل تکری
گستاخی خواهد همچون منکری خداگونه ظاهر
شود و این یکی از مشکلات و مشاعی ایشان فردید
است
شیدیده خاطر همین ایست که فردید نویسنده
غم و تعازی تحویل می شود و به درستی مدت
از قلسه پدیده ای که کشیده و سکوت اختیاری می کند و
بیشتر از این ستر و نظر دردیدنی از ربه معنوی
تکری شهودی ایشان انتقادی پیدا می کند می دانست
که کم کم خودش را آن دخواز گیری هدایت پر شرها
و خشنجهایی که متعصل از زندگانی در چشم ایشان
آنکه آنست دیر بکند در نتیجه آن عدم تحمل
کم کم چاش را به نهی ایله شدن برای دینار
سدیلیزی که قبل از فرش را می زد و چشم هم
عین من توالت آن را بشنیدیم کند می دهد
و به ظلم من مرحوم فردید باستکوی که هر پیش
گرفته می داشت به عنوان یک انسان مومن به
این دین پردازشندگان اینکه آن حق جانی مطلق